

کل کردن کن

سیمین خانم

از آغاز تا امروز

به کوشش: اشرف باقری / نسرين صفوی



<p>باقری، اشرف ۱۳۵۷ - ، گردآورنده. گل‌گلدون من: سیمین غانم از آغاز تا امروز / به کوشش اشرف باقری، نسرین صفوی - تهران: نشر ثالث: ۱۳۸۶. ۱۵۶ ص.</p>	
شابک ۱-۷۴-۰۷۴-۳۸۰-۹۶۴-۹۷۸	ISBN 978-964-380-074-1
<p>۱. شعر فارسی - قرن ۱۴ - مجموعه‌ها. ۲. ترانه‌های ایرانی - قرن ۱۴. ۳. غانم، سیمین - مصاحبه‌ها. ۴. آوازخوانان ایرانی - مصاحبه‌ها. ۵. زنان آوازخوان ایران. الف. صفوی، نسرین، ۱۳۵۶ - ، گردآورنده. ب. عنوان. ج. عنوان: سیمین غانم از آغاز تا امروز. گ ۲۶ ب / PIR ۴۱۹۰۰ / ۸ فا ۱/۶۲۰۸</p>	



دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / ب ۱۵۰ / طبقه چهارم / تلفن: ۸۸۳۰۲۴۳۷
فروشگاه: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / ب ۱۴۸ / تلفن: ۷-۸۸۳۲۵۳۷۶

■ گل‌گلدون من: سیمین غانم از آغاز تا امروز

- اشرف باقری - نسرین صفوی ● ناشر: نشر ثالث
- مجموعه هنر و موسیقی
- چاپ پنجم: ۱۳۹۴ / ۱۰۰۰ نسخه
- لیتوگرافی: ثالث ● چاپ: سازمان چاپ احمدی ● صحافی: مینو
- کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است
- شابک ۱-۷۴-۰۷۴-۳۸۰-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978-964-380-074-1
- سایت اینترنتی: www.salesspublication.com پست الکترونیکی: Info@salesspublication.com



سیمین از زبان سیمین

انگار دیروز بود که صحنه را ترک می‌کردم. صدای کف زدن‌ها در گوش من است؛ چهره‌ها سرشار از شوق، حلقه‌ی اشک در چشم، لبخند بر لب، همه و همه گواه این حس بود که ما دور از قیل و قال گذشته و حال، در شادی صمیمانه‌ای با هم بودیم.

بیست سال در سکوت و خاموشی گذشت... این چه صبوری و اعتمادی بود که مرا واداشت همواره تمرین کنم و آماده باشم، تا پرده‌ها بالا روند و در آن سوی صحنه، چهره‌های صمیمی را ببینم که در انتظار لحظه‌های شادی و دمی با هم به سر بردن کف می‌زنند.

نیرویی که مرا واداشت بیست سال را سرشار از امید، با کار و تمرین مداوم سپری کنم، نیرویی که مرا از بی‌اعتقادی و پوچی و تباهی حفظ کرد، جز منشأ لایزال هستی چه می‌توانست باشد؟

به هر روی، صبوری و آرامش به ثمر نشست و دوباره پرده و صحنه... و حالا من مادر بزرگ بودم... استقبال بی‌شائبه و حضور پر شور و شوق شما، شادی و هیجان وصف‌ناپذیری در دلم ایجاد کرد. ابتدا تصور کردم این استقبال از جانب هم‌دوره‌ای‌هایم باید باشد که این‌گونه

مرا به خاطر دارند و به دنبال خاطراتشان به این کنسرت آمده‌اند... اما وقتی به احساساتم غلبه کردم و مشغول اجرا در صحنه بودم، متوجه چهره‌های جوان و حتی کودکان شدم که با اشک شوق با من می‌خواندند: «گل گلدون من... ماه ایوون من... از تو تنها شدم... چو ماهی از آب.» هرگز انتظار چنین استقبال و برخورد صمیمانه‌ای را از نسل جدید نداشتیم. حس‌هایمان چقدر به هم نزدیک بود. دل‌مان برای یکدیگر تنگ شده بود. این همه شور و عشق از کجا نشأت می‌گرفت؟ جز منشأ لایزال عشق در هستی، چه نیروی دیگری می‌تواند این‌گونه من و شما را پس از دو دهه، مثل دو دوست قدیمی، وقتی به هم می‌رسیم، در همان لحظه‌ی دیدار، به خاطرات پرمهر گذشته بازگرداند؟

سپاس خدای راکه خود، حافظ هنر و امانت خویش بود، تا به تباهی یا غرور نکشد. سپاس خدای راکه در سالهای سکوت و تنهایی، مرا یاری کرد و به گوش جانم نغمه‌ی عشق خواند.

و سپاس از شما به خاطر این‌گونه که هستید و در تمام لحظه‌های این غیبت طولانی اصلاً فرقی نکردید؛ انگار که هیچ چیز عوض نشده است. و این، خوشبختی عظیمی است که سهم کوچکی در شادی دل‌های پرملال داشته باشم.

گل گلدون من

شاعر: فرهاد شبانی
آهنگساز: فریدون شهبازیان

گل گلدون من شکسته در باد
تو بیا تا دلم نکرده فریاد
گل شب بو دیگه شب بو نمی ده
کی گل شب بو رو از شاخه چیده

گوشه ی آسمون، پر رنگین کمون
من مٹ تاریکی، تو مثل مهتاب
اگه باد از سر زلف تو نگذره
من می رم گم می شم تو جنگل خواب

گل گلدون من

۹۸

گل گلدون من، ماه ایوون من
از تو تنها شدم، چو ماهی از آب
گل هر آرزو، رفته از رنگ و بو
من شدم رودخونه، دلم یه مرداب

آسمون آبی می شه، اما گل خورشید
روشاخه های بید، دلش می گیره
دره مهتابی می شه، اما گل مهتاب
از برکه های خواب، بالا نمی ره

تو که دست تگون می دی
به ستاره جون می دی
می شکفه گل از گل باغ

وقتی چشمت هم می آد
دو ستاره کم می آد
می سوزه شقایق از داغ

گل گلدون من، ماه ایوون من
از تو تنها شدم، چو ماهی از آب
گل هر آرزو، رفته از رنگ و بو
من شدم رودخونه، دلم یه مرداب

